

نشان‌شناسی مذهب شیعه بر مسکوکات علویان تبرستان

چکیده

علویان تبرستان بنیان‌گذار نخستین حکومت شیعی در ایران، سکه‌هایی با نشانه‌های اعتقادی و مذهبی شیعه ضرب و به یادگار گذارند که گویای دشمنی با خلافت عباسیان و عمال ستم‌پیشه آن‌هاست. بر مسکوکات برجای‌مانده از امیران علوی تبرستان، نوشته‌ها و شعارهای مذهبی و آیات قرآن کنده‌کاری شده‌است که نشانه‌های آشکار گرایش اعتقادی و برحق حکومت خاندان حضرت علی (ع) است. حذف نام خلفای عباسی، نشانی دیگر از اعتراض، واخواهی و ناحق دانستن جانشینی آنان است. افزون بر شعارهای فراگیر مسکوکات تراز اسلامی، که گواهی بر دو اصل اساسی دین اسلام، یعنی توحید و نبوت است، مضامین و محتوای دیگر عبارات دینی و آیات قرآنی، بر حقانیت حکومت آل رسول تأکید دارد.

این پژوهش تلاش دارد، با رویکرد سکه‌ها، نشانه‌های مذهب شیعه را از میانه سده نهم / سوم تا ربع اول سده دهم / چهارم در قلمرو علویان که گاه از حد تبرستان، گیلان و دیلمان فراتر رفته و تاری و زنجان هم گسترده شده‌است، بررسی کند. برای شناخت مسیر شکل‌گیری و دگرگونی حکومتگران علوی تبرستان و بررسی آن، از منابع تاریخی بهره گرفته شده‌است و برای شناخت مسکوکات از منابع مکتوب سکه‌شناسی و بازدید از سکه‌ها، به‌ویژه سکه‌های موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد بهره جسته شده‌است.

نتایج و برآیند پژوهش و بررسی نشان از آن دارد که بر مسکوکات این دوره، آیات ۲۳ سوره شوری، ۳۹ سوره حج، ۵۵ سوره مائده و ۳۳ سوره احزاب نقش بسته است که حقانیت حکومت و ولایت برای آل علی (ع) و خویشان و اهل بیت پیامبر را نشان می‌دهد.

اهداف مقاله

- ۱-ارایه شناختی جامع از مهم‌ترین شاخصه‌های مسکوکات علویان تبرستان در نیمه دوم سده نهم / سوم تا یک‌چهارم نخست سده دهم / چهارم که از سوی سکه‌شناسان کمتر گرایشی به آن دیده شده‌است.
- ۲-بررسی و تحلیل آیات و شعارهای کنده‌کاری‌شده بر مسکوکات علویان تبرستان برای شناخت باورهای شیعی آنان.

سؤالات مقاله

- ۱-شاخصه‌ها و ویژگی‌های سکه‌های علویان تبرستان چیست؟
- ۲-آیات و شعارهای کنده‌کاری‌شده بر سکه‌های علویان تبرستان بیانگر چه نوع گرایش مذهبی است؟

واژگان کلیدی

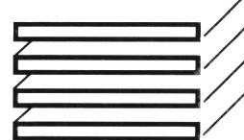
علویان تبرستان، نشانه‌شناسی، مسکوکات، مذهب، شیعه.

مجید حاجی تبار / دانشجوی
دکترای باستان‌شناسی،
دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
hajitabarm@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۰۴/۰۳

صفحات مقاله: ۹۱-۱۰۶



مقدمه

با ورود اسلام به ایران، سرزمین تبرستان و دیلم از ایران جدا شد و حکومتی جدا در آن شکل گرفت. مقاومت و پایداری مردم تبرستان تا زمان منصور عباسی، امکان تسلط و کنترل دائمی بر این مناطق را از بین برد. جغرافیای بسته و محصور تبرستان با کوه‌های بلند و جنگل‌های انبوه و جلگه‌های نمناک، از عوامل مهم استقلال بوده است.

منابع تاریخی به آزار و پیگرد علویان و شیعیان ازسوی خلفای اموی و عباسی، و فرار آنان به مناطق و مکان‌های دوردست و امن اشاره دارد که به‌صورت فردی، دسته‌جمعی و یا خانوادگی انجام می‌گرفت. یکی از مناطق امنی که شیعیان و علویان فراری از ستم خلفای اموی و عباسی برای پناه جستن و پنهان‌شدن به آن روی آوردند، مناطق کوهستانی شمال ایران؛ منطقه تبرستان و سرزمین دیلمان بوده‌است. افزون بر ویژگی‌های جغرافیایی، مخالفت و سرسختی مردم در دشمنی با خلفا را می‌توان از عوامل پناه گرفتن علویان در این سرزمین برشمرد.

دولت علویان بر بنیان و شالوده مذهب و اندیشه شیعی پی‌ریزی و رهبری می‌شد. گرچه آشنایی تبری‌ها با اسلام پس از یک سده مقاومت، سرانجام در سال ۷۶۱/۱۴۴ با گرایش غالب اهل سنت بود؛ به‌گونه‌ای که مرعشی می‌آورد: «مردم آمل که اسلام قبول کردند مالک‌المذهب بودند تا به عهد داعی الکبیر» (مرعشی؛ ۱۳۶۸: ۱۲۴). با کوشش علویان و تعهدی که نسبت به مذهب تشیع داشتند، در گسترش آن کوشیدند و مردم این سرزمین را به گرایش شیعی درآوردند. بی‌گمان مذهب تسنن تا دوران حکمرانی طاهریان ادامه داشت ولی همان‌گونه که گفته شد، ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی و گرایش آزادی‌خواهی و حقیقت‌خواهی مردم تبرستان، پناه‌جویان را به‌سوی خود کشاند و سرآغاز آشنایی آنان با مذهب شیعه شد.

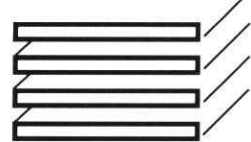
در ۸۶۴/۲۵۰ جرقه بنیان دولت علوی در تبرستان زده شد که عامل و ریشه آن در ستم عاملان طاهری در این سرزمین نهفته بود. مردم یکی از سادات علوی مقیم تبرستان با نام محمد بن ابراهیم را به‌یاری طلبیدند ولی وی داماد خویش حسن بن زید را که در شهر ری اقامت داشت، معرفی نمود. با حضور حسن بن زید در میان انقلابیون پس از حوادثی چند، علویان بر تبرستان چیره شدند و پایه‌های سیاسی قدرت خود را استوار ساختند. نهضتی علمی و فرهنگی برپایه آموزه‌های شیعی در گستره جغرافیای تبرستان

شکل گرفت که دامنه آن تا بخش‌های جنوبی کوه‌های البرز و شهرهایی چون ری، زنجان، قزوین و شاید قم و حتی تا همدان هم رسید؛ گرچه این روند بنا به دلایل گوناگون همواره سیر آرمانی را می‌گذراند و گاه دچار کاستی می‌شد.

جغرافیای طبیعی و سیاسی تبرستان به‌عنوان مهم‌ترین عوامل گزینش این سرزمین برای ایجاد حکومت شیعی و پایگاه اجتماعات علویان بررسی شده‌است. پیشینه و زمینه‌های مؤثر در ورود علویان به تبرستان از آغاز تا شکل‌گیری حکومت، جستار دیگر این پژوهش است. چگونگی شکل‌گیری و گسترش حکومت علویان تبرستان کوتاه گفته شده‌است. سخن بنیادین، شناخت نشانه‌های نوشتاری مذهب شیعه بر سکه‌هاست که تلاش شده است برپایه مسکوکات موجود و منابع سکه‌شناسی به‌دست آید. برآیند و نتایج پژوهش، نشانگر گرایش امیران علوی تبرستان به شیعه و تبلیغ و گسترش آن بر مسکوکات است. شعایر و آیات کنده‌کاری‌شده بر سکه‌ها به‌ترتیب و در گذر تاریخی بررسی می‌شود تا برپایه آن نشانه‌های آشکار گرایش مذهبی شیعه شناخته شود.

جغرافیای تاریخی و سیاسی تبرستان

تبرستان باریکه‌ای غنی و سرشار از نعمت است و با رودهای پرآب و باران فراوان، همیشه سرسبز است. حد شرقی را رباط آخر میان استرآباد و طمیس (ابن رسته؛ ۱۳۶۴: ۱۷۶) که ناحیتی آبادان و بانعمت و بسیار خواسته (حدودالعالم...؛ ۱۳۷۶: ۱۴۴) است، یاد می‌کنند. طبرستان تا استرآباد از کوه به دریا یک روز راه بیش نیست و جایی هست که چنان تنگ شود که آب دریا به کوه رسد (جیهانی؛ ۱۳۶۸: ۱۴۶). زمینی هامون که کشاورزی و دامداری در آن رونق دارد (استخری؛ ۱۳۶۸: ۱۶۸). بخش کوهستانی آن پوشیده از درختان بلند و بیشه‌زار و بسیار فراخ نعمت‌اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۱۹). بارانش بسیار زندگی در آن دشوار، کثیف و پرپشه است (مقدسی؛ ۱۳۶۱: ۵۱۹). نواحی کوهستانی از روستاها و دهستان‌های بزرگ است. زندگی مردم این نواحی از راه دامداری است و چمن‌زارهایی در ارتفاعات هست که مناسب پرورش دام است. در میانه بیشه‌ها محوطه‌هایی را برای زراعت و احداث روستا در ارتفاعات از درختان خالی کردند (بارتولد؛ ۱۳۷۲: ۲۳۳). منطقه‌ای در نهایت شادابی و حاصل‌خیزی بوده و دامنه‌های آن با انبوه درختان جنگلی پوشیده است (لسترنج؛ ۱۳۳۷: ۳۹۸). در بخش هامونی، مهم‌ترین شهرها پدیدار گشته و هر روز توسعه و فزونی یافت. ابن‌خردادبه، شهرهای طبرستان را رویان، آمل، ساریه، شالوس، لازر و ویشیرز، طمیس و کلار می‌داند (ابن‌خردادبه؛ ۱۳۷۰: ۹۶). نام تبرستان برای نخستین بار برسکه‌ای از خسرو اول، به سال نهم (۵۴۰ م) شهریاری با علامت ضرب تپ، کنده شده‌است، که آن را کوتاه‌شده طبرستان می‌دانند (چگینی؛ ۱۳۶۶: ۲۱). موانع طبیعی، چون دریا و کوه باعث شد مردمان این سرزمین کمتر در مناقشه‌های سیاسی آسیب ببینند. از این‌رو، طبرستان در انزوای سیاسی قرار داشت (پرگاری و ترکمنی؛ ۱۳۷۸: ۱۱۴). یعقوبی نیز مستقل بودن سرزمین طبرستان را یادآور شده‌است (یعقوبی؛ ۱۳۴۷: ۵۲). زکریای قزوینی، حاکمان تبرستان را چریکانی می‌داند که در جنگاوری مهارت داشتند و برای همین کسی برای سرکوبی آنان داوطلب نمی‌شد (قزوینی؛ ۱۳۶۶: ۲۱۸). در نتیجه تبرستان همواره از پذیرش برتری بیگانه اکراه داشت. امنیت و دشمنی مشترک حاکمان محلی و سادات علوی با



خلافت و عمال عباسی زمینه کوچ آنان را به تبرستان فراهم ساخت.

تاریخ کوتاهی از علویان تبرستان

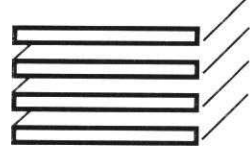
یکی از نخستین کوچ‌ها که به قیام انجامید، آمدن یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن علیهم السلام به دیلم بود (مسعودی؛ ج ۲: ۱۳۷۰: ۳۴۷ و یعقوبی؛ ۱۳۶۶: ۴۱۷ و فخری؛ ۱۳۶۷: ۲۶۵). یحیی آغازگر نخستین قیام شیعی و حرکت گسترده سادات به طبرستان و دیلم شد (حقیقت؛ ۱۳۶۳: ۵۵). وی سرانجام به اتهام خیانت به دست هارون در زندان درگذشت (اصفهانی؛ ۱۳۸۰: ۴۴۷). عامل دیگر ورود علویان به تبرستان، ولایتعهدی امام رضا (ع) است. زمانی که مأمون، امام رضا (ع) را به شهادت رساند، سادات به کوهستان‌های دیلم و طبرستان پناه بردند (مرعشی؛ ۱۳۶۸: ۱۲۷ و آملی؛ ۱۳۱۳: ۶۲). بعضی از آن‌ها در این منطقه شهید شدند و برخی نیز در آنجا ماندند. (رابینو؛ ۱۳۶۵: ۳۶) با فشار مالیاتی عمال طاهریان، سلیمان بن عبدالله و محمد بن اوس بخشی از طبرستان سر به شورش برداشت (معطوفی؛ ۱۳۹۲: ۱۳۷). در رویان، کلار و چالوس گسترش ناخشنودی از عاملان و کارگزاران طاهری به انقلابی آشکار انجامید (مادلونگ؛ ۱۳۹۰: ۱۷۹). سرانجام دولت علوی در سال ۲۵۰/۸۶۴ به دست حسن بن زید در طبرستان شکل گرفت (آملی؛ ۱۳۱۳: ۶۹). حسن بن زید (داعی کبیر) با شکست نمایندگان طاهریان شهرهای آمل و ساری را متصرف شد (الشامی؛ ۱۳۶۷: ۲۱۰). پس از گذشت زمانی کوتاه ری فتح شد و به دنبال آن شهرهای قزوین، ابهر و زنجان توسط نماینده داعی کبیر حسین بن احمد تصرف شد (مستوفی؛ ۱۳۶۴: ۷۹۴). با مرگ حسن بن زید در سال ۲۷۰/۸۸۳، برادرش محمد جانشین وی شد. محمد هدایای سخاوتمندانه برای علویان بیرون از قلمرو خویش فرستاد و در نزد شیعیان محبوبیت یافت (مادلونگ؛ ۱۳۹۰: ۱۸۰). سرانجام در خشکسالی شدید استرآباد که مردم چند گرم نمک را به دو درهم می‌خریدند، جنگی در یوم جمعه ماه شوال سنه ۲۸۷/۹۰۰ رخ داد که در آن محمد بن زید مقتول و سرش را بردند و به بخارا نزد امیر اسماعیل سامانی فرستادند (مسعودی؛ ۱۳۴۴: ۶۵۲). با مرگ محمد دوره ۱۳ ساله فترت آغاز شد، و تبرستان زیر نظر سامانیان قرار گرفت. پس از حسن و محمد از سادات حسنی، شعبه دیگری از سادات یعنی حسینی‌ها بر تبرستان تسلط یافت (معطوفی؛ ۱۳۹۲: ۱۳۷). در سال ۳۰۱/۹۱۴ حسن بن علی (ناصر کبیر) معروف به الاطروش کارگزاران سامانی را از تبرستان بیرون راند (پرگاری و ترکمنی؛ ۱۳۷۸: ۱۴۷). پس از مدتی ناصر کبیر حکومت را به حسن بن قاسم سپرد (خضری؛ ۱۳۸۸: ۱۳ و ۱۴). جعفر فرزند ناصر کبیر با یاری امیر سامانی حکومت طبرستان را به دست گرفت، ولی چون رسماً خطبه و سکه به نام امیر سامانی زد، مردم به حسن بن قاسم پیوستند (پرگاری و ترکمنی؛ ۱۳۸۵: ۱۴۹). بعدها در جنگی سخت با سامانیان به سال ۳۱۶/۹۲۸، حسن بن قاسم کشته شد. از آن پس کسی پیدا نشد تا بتواند بر تمام طبرستان حکومت کند (پرگاری و ترکمنی؛ ۱۳۷۸: ۱۵۲). پس از داعی صغیر، ابوالفضل جعفر ملقب به النائر بالله، که به روایتی آخرین فرد از سادات حسینی است، در طبرستان خروج کرد و به نام خود سکه زد (حکیمیان؛ ۱۳۴۷: ۱۰۹). پس از مرگ النائر بالله، چند تن از نوادگان علویان حسنی مانند ابو عبدالله محمد ملقب به مهدی لدین الله القائم بالحق و ابولحسن احمد ملقب به السید



بالله و ابوطالب یحیی ملقب به السید ناطق الله در دیلم ظهور کردند. ابوالقاسم زید ملقب به المسدد بالله آخرین پیشوای علویان بود. (حکیمیان؛ ۱۳۴۷: ۱۱۵ و ۱۱۲ و ۱۱۰)

نشان‌شناسی مذهب شیعه بر مسکوکات علویان تبرستان

علویان تبرستان برای ضرب سکه، به رسم روز، جنس طلا و نقره با وزن میانگین بین سه تا چهار گرم را به کار بردند. مهم‌ترین و فعال‌ترین ضربخانه‌های این دوره، آمل و جرجان است. سادات حسنی در آمل، جرجان و ساریه و سادات حسینی از زمان الاطروش به این سو در آمل، جرجان و دیسم (هوسم - رودسر؟) به ضرب سکه پرداختند (عقیلی؛ ۱۳۷۷: ۵۶). وردانیان از سکه‌شناسان این دوره، باور دارد هیچ سکه‌ای از علویان تبرستان با ضربخانه ساری به‌دست نیامده است (۳۵۸: ۲۰۱۰؛ vardanian). از ویژگی‌های قابل توجه سکه‌های آغازین این دوره بهره‌گیری از کتیبه‌ها و نوشتار ویژه‌ای است که بر هیچ سکه‌ای از حکمرانان همزمان و همجوار دیده نشده است. از آنجاکه علویان تبرستان، خلافت را حق خاندان حضرت علی (ع) می‌دانستند، از نام‌بردن نام خلفای عباسی بر مسکوکات خودداری کرده‌اند. بجز چند سکه از جرجان به تاریخ سال‌های ۸۸۲/۲۶۸ و ۸۸۳/۲۶۹ مسکوکات ضرب شده این دوره همچنان نایب است. مهم‌ترین و شاخص‌ترین ویژگی سکه‌های علویان تبرستان گندن آیات قرآن کریم است که برای مشروعیت و جلب قلب‌های مردم و توجیه عملکردشان به کار می‌رفته است. آیات قرآن در حاشیه سکه نوشته شده است. بازشناسی، بررسی، تحلیل و تفسیر آیات منقور بر سکه‌ها نشان می‌دهد، بیشتر آیات برای اولین بار بر سکه‌ها نقش بسته است و نشان از ولایت خاندان و خویشان حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) دارد. برخی از آیات در زمانی کوتاه و محدود بر سکه‌ها کنده‌کاری شده است. افزون بر آیات قرآن، شعایر مذهبی به کاررفته بر سکه‌ها، بیشتر نشانه‌هایی از وابستگی و خویشی خاندان علویان تبرستان با پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) دارد. روند به کارگیری شعایر و آیات قرآن اگرچه با فراز و نشیب‌هایی همراه بود ولی در بیشتر مواقع، اصول اولیه و بنیادین حفظ شد مگر در شرایطی که توان و امکان چنین حرکتی فراهم نبود. سکه‌های این دوره به ترتیب و در گذر تاریخ برای شناخت نشانه‌ها و علایمی بررسی شده است که حکایت از گرایش مذهبی و اعتقادی شیعه دارد. حسن بن زید بنیان‌گذار سلسله علویان تبرستان ضرب سکه‌هایی را بنیاد نهاد که پیش از آن همانندی نداشته است. بر یک‌روی سکه شعار روز توحیدی مسکوکات تراز اسلامی، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، کنده‌کاری شده است؛ پس از آن لقب امیر شیعی تبرستان الداعی (رئیس اعلاء) الی‌الحق، نوشته شده است. سکه‌های وی دو حاشیه نوشتاری دارد که نوشته اول بر گرداگرد سکه به شیوه روز سکه‌های تراز اسلامی جنس، محل ضرب و سال ضرب را آورده است. حاشیه دوم بخشی از آیه ۲۳ سوره شورا است، که پیش از آن روی سکه‌های ابومسلم خراسانی و عبدالله بن معاویه از قیام‌کنندگان علیه ستم امویان در سال‌های ۷۴۵/۱۲۷ تا ۷۵۰/۱۳۲ هجری دیده شده است، ولی کنده‌کاری این آیه بر سکه‌های حسن بن زید بی‌شک با هدف و انگیزه‌ای متفاوت از انقلابیون عباسی آمده است. روی دیگر سکه الله/ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ/ الحسن بن زید نوشته شده است، و بر حاشیه آیه ۳۹ از سوره حج نگاشته شده است که بر هیچ سکه‌ای تا این زمان چنین آیه‌ای از قرآن نبوده است.



شیوه نوشتاری مسکوکات حسن بن زید مبنای ضرب سکه امیران دیگر شده است، اگر چه امیران با توجه به نیازهای خود و ضرورت زمان آیات و شعایی را انداخته یا افزوده اند، ولی پیکره و شکل اصلی نوشتار با اصولی که حسن بن زید بنیاد گذارد، ادامه یافت.

سکه‌ای از حسن بن زید علوی که به سال ۸۶۸/۲۵۴ ضرب شده است؛ بر یک‌روی آن در میان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الدَّاعِي إِلَى الْحَقِّ» و در حاشیه اول «بِسْمِ اللَّهِ ضَرْبَ هَذَا...» و بر حاشیه دوم «آیه ۲۳ از سوره شوری - قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» آمده است. روی دیگر سکه «اللَّهُ/ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ/ الْحَسَنُ بْنُ زَيْدٍ» و در حاشیه آیه ۳۹ سوره حج «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» نقش شده است (عقیلی؛ ۱۳۶۰: ۴۰). در این سکه، حسن بن زید نه تنها آشنایی خود را با پیامبر اسلام یادآور شده، بلکه در حاشیه پشت سکه، سر بسته، ستمی که بر خاندان رسول رفته و یاری که خداوند به او داده، را یادآور شده است (عقیلی؛ ۱۳۶۰: ۴۱). طاهری شهاب از کشف مسکوکاتی از حسن بن زید در جزیره آبسکون یاد می‌کند و یادآور می‌شود تاریخ آن همزمان با فرمانروایی داعی الکبیر است و بر مسکوکات آیه «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» آمده که تفسیر آن از این قرار است؛ اذنی داده شد به کسانی که طرف تاخت و تاز بودند که جنگ کنند، زیرا که ظلم به آن‌ها شده بود و خدا آن‌ها را فاتح خواهد کرد (طاهری شهاب؛ ۱۳۹۰: ۸۴۱). نقش این آیه روی سکه‌های آن زمان به علت نخستین حملات روسی‌ها به سواحل جنوبی خزر با فرمانروایان طبرستان برای تشجیع مردم برای مقابله با کفار منقوش شده است (طاهری شهاب؛ ۱۳۹۰: ۸۴۲). اشیپور آیه ۳۹ از سوره ۲۲ قرآن کریم را بر سکه‌های حسن بن زید، مفهومی شیعی یاد کرده است. (اشیپور؛ ۱۳۶۹: ۲۵۳)

دقت و ژرف‌نگری در نوشته‌های سکه‌های حسن بن زید نشان می‌دهد؛ افزون بر نگرش به دو رکن بنیادین و اصولی دین اسلام یعنی توحید و نبوت، با آیات قرآن و کلام خداوند، قرابت و خویشی خاندان خود با پیامبر و امر مهم جهاد در راه خدا برای مبارزه با فساد و ظلم را نیز یادآور می‌شود. آیه ۲۳ سوره شوری به معنی «بگو از شما نپرسم بر پاداشی جزء دوستی با نزدیکان را»، نشان می‌دهد که حسن بن زید بر حق بودن خاندان حضرت علی (ع) و علویان را بر حکومت در نظر داشته است. آیه‌ای که به مودت و یاری شناخته شده است، و بر فضیلت اهل بیت پیامبر دلالت دارد، و پاداش رسالت رسول خدا را دوستی و محبت اهل بیت می‌داند.

در شان نزول این آیه آمده است که هنگامی که پیامبر وارد مدینه شد و پایه‌های دین استوار گشت، انصار گفتند ما خدمت پیامبر عرضه داشتیم هر وقت مشکلات پیش آمد اموال ما بی هیچ قید و شرطی در اختیار شماست. پس از این سخنان آیه مذکور نازل شد. در روایتی در تفسیر آیه بالا آمده است، از پیامبر (ص) پرسش شد، کسانی که محبت آن‌ها بر ما واجب است چه کسانی هستند، که حضرت پاسخ داد؛ علی و فاطمه و دو فرزندشان حسن و حسین (ع) (بحار الانوار؛ ج ۲۴ بی تا: ۱۸۸). در تفسیر معنی و مفهوم این آیه آمده است؛ مزد رسالت خاتم انبیا، مودت نسبت به اهل بیت او بود و معنای مودت محبت شدید است. (مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۷: ۴۸۶)

در آیه ۳۹ سوره حج خداوند به مردم مظلوم اجازه دفاع داده است. به کسانی که از



تصویر ۱: درهم حسن بن زید علوی ضرب آمل به
تاریخ ۸۶۷/۲۵۲
(www.sixbid.com)

روی الف: الله / مُحَمَّدُ رَسُولُ اللهِ / الحسن بن
زید حاشیه اُنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنْ
عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

روی ب: وسط - : لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ / الداعي إلى الحق حاشیه «۱» بسم الله ضرب
هذا الدرهم بآمل سنة ثلث و خمسين و مائتين و
حاشیه ۲ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا

تصویر ۳: نمونه سکه‌ای از حسن بن زید
(vardanian;2010:pl22)

روی الف: وسط - الله / مُحَمَّدُ رَسُولُ اللهِ /
الحسن بن زید - حاشیه اُنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ
ظَلَمُوا وَإِنْ اللهُ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

روی ب: وسط - : لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ / الداعي إلى الحق حاشیه «۱» بسم الله ضرب هذا
الدرهم بمدينة الامل سنة ثمان و ستين و مائتين
(۲۶۸) حاشیه «۲» قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا
حُسْنًا

روی ستم با آنان جنگ شد، اجازه جهاد صادر گردید، و خداوند تواناست بر اینکه ایشان را پیروز گرداند. درشان نزول آن آمده است که در زمان حضور مسلمانان در مکه ستم بسیاری بر آنان روا می‌شد، مردم از پیامبر اذن جهاد خواستند و پیامبر فرمود بر من دستور جهاد صادر نشده است. وقتی مسلمانان به مکه آمدند، آیه مذکور نازل شد و به آنان که جنگ بر آن‌ها تحمیل شد، اجازه جهاد داده شد. چون مورد ظلم قرار گرفتند و خدا قادر به نصرت آنان بود. این آیه دربردارنده اجازه جهاد است و نخستین آیه نازل شده درباره جهاد است (مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۷: ۳۷۳). این دستور برای کسانی صادر شد که نماز را برپا داشته و زکات پرداخت می‌نمودند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند، فرامینی که حسن بن زید پس از تثبیت حکومت برای مردم قلمرو خویش صادر کرد (حکیمیان؛ ۱۳۴۷: ۷۹ و بحر العلوم؛ ۱۳۸۵: ۷۷). داعی کبیر از صدور چنین فرامینی تنها اجرای اصول تشیع و نشر



تصویر ۲: درهم از سکه حسن بن زید ضرب نیشابور به تاریخ ۸۷۶/۲۶۲
(www.sixbid.com)

روی الف: وسط: الله / مُحَمَّدُ رَسُولُ اللهِ / الحسن بن زید و حاشیه: اُنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنْ
الله عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

روی ب: وسط: لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ / الداعي إلى الحق - حاشیه اول بسم الله ضرب هذا الدرهم
نیشابور سنة اثنين و ستين و مائتين (۲۶۲) - حاشیه دوم قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى و
مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا



در دوره داعی کبیر، والیانی که به مناطق فتح شده، می‌رفتند و حاکمیت آن سرزمین را به نمایندگی در دست داشتند، حق و فرصت ضرب سکه به نام خود داشتند، سند این ادعا سکه‌های حسین بن احمد است که پس از فتح قزوین، ولایت آن ناحیه را عهده‌دار گردید. سکه‌های درهم به نام حسین بن احمد از سال‌های ۸۶۶/۲۵۲ و ۸۶۷/۲۵۳ از قزوین در دست است. سکه تاریخ ۸۶۷/۲۵۳ هجری باید پیش یا در ذی القعدة ضرب شده باشد، زیرا در این ماه قزوین از دست خاندان علوی تبرستان خارج شد. بر سکه‌ها نام حسین آمده است و بر پشت سکه‌ها داعی الی الحق و القائم من آل محمد نوشته شده است که بی‌گمان، مقتدای وی حسن بن زید را یادآور می‌شود. در کنار نام حسین بن رسول الله آمده که تاکید و نشانی از خویشی با پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) است. واژه النغر بر بالای واژه‌ها، روی سکه قرار گرفته است که گواهی بر این است که قزوین غربی‌ترین نقطه مرزی ایالت دیلمان است (vardanian: ۲۰۱۰: ۳۶۳). سکه‌های حسین بن احمد به سکه‌های خلفای عباسی از زمان مأمون به بعد همانندی دارد. بر یک‌روی سکه بخشی از آیات ۳ و ۴ سوره روم «لِلّٰهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ» آمده است و روی دیگر بخشی از آیه ۳۳ سوره توبه «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» نگاشته شده است. این آیات، بر سکه‌های خلفای عباسی و امیران اهل تسنن نقر و نقش شده است. شاید دلیل چنین زخدادی جلب پشتیبانی مردم قزوین باشد که گویا به مذهب سنت بیشتر گرایش داشته‌اند. البته بر این مسکوکات شعایی به چشم می‌خورد که به گرایش‌های شیعی برمی‌گردد. حسین بن احمد خود را بن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌نامید و در ادامه، لقب مقتدای خویش داعی الی الحق را آورده است. حسین بن احمد از سادات حسینی است، که از جانب حسن بن زید داعی حکومت قزوین را داشت. گاهی که موسی بن، بنا به عزم استخلاص قزوین مأمور شد و با لشکری لایق تاختن آورد، ایشان را تیروی درنگ نماند، لاجرم به طبرستان گریخت، داعی کبیر به خیانت هزیمت وی را حاضر ساخت و در برکه غرقه ساخت تا جان داد. این رخداد در سال دویست و پنجاه و هشتم هجری بود.

(حکیمان: ۱۳۴۸: ۸۵)

احمد بن محمد ملقب به القائم داماد حسن بن زید بود، که در برابر محمد بن زید جانشین داعی کبیر قیام کرد، هیچ سکه‌ای از وی در دست نیست. این شرایط بی‌گمان به دلیل هرج و مرج و درگیری‌هایی بوده است که برای به‌دست گرفتن قدرت میان وی و جانشین رسمی حسن بن زید در گرفت و فرصت ضرب سکه دست نداد. محمد بن زید که بیشتر از ۱۵ سال حکمرایی داشت، مدارک سکه‌شناسی مبهم و نارسا دارد. از وی سکه‌چندانی در دست نیست، تنها نمونه قطعی، دیناری با تاریخ ضرب ۸۸۷/۲۷۴ در مدینه آمل است که شیوه کتیبه‌نگاری آن به‌مانند حسن بن زید است؛ آیات و شعایر سکه همان است که بر سکه‌های داعی کبیر نگاشته و نقش شده بود. برپایه کتیبه‌ها می‌توان به این یقین رسید که وی به برادر فقید خویش وفادار بوده است، و بر یک‌روی



تصویر ۴: نمونه سکه حسین بن احمد
(vardanian;2010:pl22)

روى الف: وسط - لله / مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ /
 الحسين بن أحمد بن / رسول الله صلى الله عليه /
 الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ / ادعى الى الرضا حاشيه
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَرْسَلَهُ بِأَهْدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
 عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
 روى ب: وسط - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ / الثغر حاشيه «١» بِسْمِ اللَّهِ ضَرْبَ هَذَا الدَّرْهِمِ
 بِقَرْوَيْنِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ (٢٥٢)
 حاشيه ٢ اللَّهُ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يُفْرَحُ
 الْمُؤْمِنُونَ بِبَصَرِ اللَّهِ



تصویر ۵: سکه طلای حسن بن قاسم به تاریخ ۹۲۲/۳۱۰ و ضرب آمل
(www.arianacoins.com)

روی الف: لله / مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ / الحسن بن القاسم
حاشیه: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا
روی ب: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ / الداعي إلى
الحق حاشیه: بِسْمِ اللَّهِ ضَرْبَ هَذَا الدِّينَرِ فِي الْخَلِيفَةِ
أَبِي مُحَمَّدٍ بِأَمَلِ سَنَةِ عَشَرَ وَ ثَلَاثُمِئَةٍ

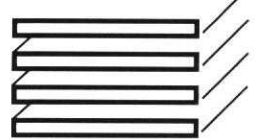
تصویر ۶: دینار حسن بن قاسم به تاریخ ۳۱۶/۹۲۸ -
ضرب محمدیه
(www.coinsarchives.com)

روی الف: لله / مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ / الرضا من آل
محمد حاشیه: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا
روی ب: الموفق / أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ / لطاعة الله حاشیه: «۱» بِسْمِ اللَّهِ ضَرْبَ هَذَا الدِّينَرِ
بِمُحَمَّدِيَةِ سَنَةِ سِتِّ عَشَرَ وَ ثَلَاثُمِئَةٍ حاشیه: ۲ أُنْزِلَ
لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْ لَا يَكُونَ لَهُمْ جُنُودٌ عَلَيْهِمْ
لَقْدِيرٌ

سکه‌ها، لقب الداعی الی الحق را نگاشته است و روی دیگر نام خود یعنی محمد بن زید را آورده است (vardanian: ۲۰۱۰: ۳۶۷). این اسفندیار نوشته است: محمد بن زید پسرش را به جانشینی خویش برگزید و امر کرد نامش را بر منابر ببرند و بر سکه‌ها بنگارند (ابن اسفندیار: ۱۳۶۶: ۱۲۶). ولی هیچ مدرک مستدل سکه‌شناسی تاکنون به‌دست نیامده است. (vardanian: ۲۰۱۰: ۳۶۷)

پس از دوره فترت و باززنده‌سازی دوباره حکمرانی علویان تبرستان، در شاخه سادات حسینی، حسن بن علی ملقب به ناصر کبیر و الاطروش برای حدود سه سال ولایت را به‌دست گرفت ولی مدرک معتبر سکه‌شناسی که ویژگی‌های سکه وی را بشناساند، دردست نیست. باید توجه داشت، ایشان از سادات حسینی و باور و مؤمن به باورهای شیعی بوده است. بنابراین بی‌گمان سکه‌های وی نیز نشانه‌های مذهب شیعه را داشته‌است. شاید نبود مدارک سکه‌شناسی، برای دوری ایشان از امور مادی و دنیوی، و گرایش به امور عبادی و شرعی و معنوی باشد. چنانچه سال‌های پایانی عمرش چندان با سیاست آمیخته نبود و بیشتر وقت خود را به کارهای علمی و دینی اختصاص داد (بیضاوی: ۱۳۴۸: ۵۶). بی‌توجهی وی به حکومت باعث شد، عموزاده وی به‌نام حسن بن قاسم ملقب به داعی صغیر و داعی جلیل جای وی را بگیرد. حسن بن قاسم در سه دوره حکمرانی تبرستان را برعهده داشت، که از هر سه دوره مدارک سکه‌شناسی استواری دردست است. جالب آنکه از حسن بن قاسم در سال‌های پس از مرگ وی نیز سکه دردست است. چنانچه سکه‌ای با تاریخ ضرب ۳۲۵/۹۳۷ و ۳۲۹/۹۴۱ در ری (محمدیه) با سبک ترکیبی مسکوکات شاهان سامانی و علویان تبرستان به‌نام حسن بن قاسم دردست است. در سکه‌های قاسم بن حسن بر یک‌روی عبارات توحیدی «الموفق / أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ / لطاعة الله» و حاشیه اول جنس و محل و سال ضرب آمده و در حاشیه دوم آیه ۳۹ از سوره حج «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْ لَا يَكُونَ لَهُمْ جُنُودٌ عَلَيْهِمْ لَقْدِيرٌ» بر روی دیگر، عبارات رسالت پیامبر اسلام «لله / مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ / الرضا من آل محمد» و حاشیه بخشی از آیه ۳۳ از سوره احزاب «وَوَقِّرَنَّ فِي بُيُوتِكِنَّ وَ لَا تَبْرُجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطِيعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» که برای نخستین بار بر سکه‌های وی کنده‌کاری شده است. برخی از علویان حسنی طبرستان از آیه تطهیر سود چسته‌اند و بر سکه آن‌ها بخشی از آیه ۳۳ سوره احزاب را بدین شرح می‌بینیم: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ





تَطْهِيراً» (عقیلی؛ ۱۳۶۰: ۴۰). اشپولر نیز به کاربرد این آیه بر سکه‌های علویان زیدی می‌پردازد که در مفهومی شیعی از آیه ۳۳ سوره ۳۳ بر سکه‌ها بهره جسته‌اند (اشپولر؛ ۱۳۶۹: ۲۵۳). از حسن بن قاسم سکه‌هایی به تاریخ ۳۰۸/۹۲۰ در آمل هست که با دیگر سکه‌ها فرق دارد. بر این سکه به‌مانند مسکوکات دوره امویان بخش‌هایی از سوره اخلاص «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ / اللَّهُ الصَّمَدُ / لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ / وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» نقر شده است. (vardanian:2010:369)

حکمرانی داعی صغیر در دوره اول با اعتراض ابوالقاسم جعفر، یکی از فرزندان ناصر کبیر و فتح تبرستان به یاری سپاه سامانی بجای خطبه خواندن به‌نام امیر سامانی و استفاده از پرچم سیاه خاتمه یافت. ولی به خاطر رویگردانی مردم هفت ماه بیشتر دوام نیاورد. اعتراض فرزندان ناصر کبیر بعد از تضعیف داعی صغیر در جنگ با سامانیان دوباره پا گرفت و برای بار دوم حکمرانی تبرستان به‌دست ابوالحسین احمد و ابوالقاسم جعفر افتاد که اولی تنها دو ماه و دومی پس از یک سال زندگی را بدرود گفتند.

از ابوالحسین احمد مدرک مستدل سکه‌شناسی وجود ندارد. شاید زمان کوتاه حکمرانی از یک سو و بی‌علاقگی ایشان به حکومت، دلایل نبود سکه به‌نام ایشان باشد. به‌هرحال آنچه روشن است، روند ضرب مسکوکات این روزگار با همه اختلافاتی که برای به‌دست گرفتن حکومت میان فرزندان ناصر کبیر و داعی صغیر شکل گرفت، به‌مانند گذشته سبک شیعی خود را نگه‌داشته است. بهترین سند و گواه این مدعا سکه‌های ابوالقاسم جعفر پسر ناصر کبیر است، که با آنکه در دوره نخست، حکومت را با یاری سپاهیان سامانی به‌دست آورد و پایبند به پیروی از سنت‌های آنان شد ولی سنت‌شکنی نکرد و مسکوکاتی به‌مانند دیگر حاکمان علوی تبرستان از خود به یادگار گذارد که نشانه‌های مذهب شیعی را تبلیغ و گسترش می‌دهد. از نکته‌های جالب توجه بر سکه‌های جعفر، آوردن لقب الناصرالحق است که شاید نشانی از برحق دانستن پدر و خاندان خویش، برای حکومت در برابر حسن بن قاسم باشد. کتیبه حاشیه‌ای پشت سکه آیه ۵۵ سوره ۵ (مائده) است، که بر مسکوکات این دوره نادر است (vardanian:2010:369). جعفر بن حسن در سال ۳۱۱/۹۲۳ هجری در آمل سکه طلا (دینار) ضرب کرد و به‌جای حاشیه معمولی سکه‌های هم‌دوره، آیه ۵۵ سوره مائده را به‌کار برده‌است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». ولی شما تنها خدا و پیغمبرش و کسانی هستند که ایمان



تصویر ۷: دینار به سبک حسن بن قاسم ضرب محمدیه به تاریخ ۳۲۹/۹۴۱ (www.coinsarchives.com)

روی الف: وسط - لله / مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ / اَرْضَا
من آل محمد حاشیه - إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ
الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً
روی ب: الموفق // أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِيكَ لَهُ // لِعِطَاعَةِ اللَّهِ حاشیه «۱» بِسْمِ اللَّهِ ضَرْبُ
هَذَا الدَّرْهَمِ بِمُحَمَّدِيَّةِ سَنَةِ تِسْعٍ وَ عَشْرِينَ وَ
ثَلَاثُمِئَةٍ (۳۲۹)

تصویر ۷: دینار به سبک حسن بن قاسم ضرب محمدیه به تاریخ ۳۲۹/۹۴۱ (vardanian;2010:pl23)

روی الف: وسط - لله / مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ / اَرْضَا
الحق حاشیه «۱» لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ حاشیه «۲» جعفر بن رسول الله

روی ب: امیر المومنین حاشیه «۱» بِسْمِ اللَّهِ ضَرْبُ هَذَا الدَّرْهَمِ سَنَةِ اثْنَيْنِ
عَشْرَةٍ وَ ثَلَاثُمِئَةٍ (۳۱۲) حاشیه «۲» إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ



آورده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. همان آیه‌ای که در حق علی (ع) به خاطر دادن انگشترش بر سر نماز به شخصی نازل شده بود (معطوفی؛ ۱۳۹۲: ۱۳۸). جعفر بن حسن نام خلیفه را هم از روی سکه برانداخت که از نظر سیاسی مسئله مهمی به‌شمار می‌آید (سرفراز و آورزمانی؛ ۱۳۷۹: ۲۷۹). این آیه را آیه ولایت می‌خوانند. آیه ولایت نصی بر ولایت و امامت امام علی (ع) است. از این آیه برای اثبات امامت بر حق امیر المومنان علی (ع) استفاده می‌شود. (مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۷: ۴۲۲)

پس از ابوالقاسم جعفر دو تن از فرزندان ابوالحسین احمد و نوادگان ناصر کبیر به نام‌های ابوعلی محمد و ابوجعفر حسن به حکومت می‌رسند، که منابع سکه‌شناسی معتبری از آنان در دست نیست. شاید همزمانی حکومت آن‌ها با جعفر و داعی صغیر فرصت ضرب سکه را به آنان نداده باشد. به‌رحال آنچه روشن است سکه‌ای مطمئن از آنان در دست نیست. ولی شکی نیست تا این زمان همچنان مسکوکات روال و روند شیعی خود را نگه داشته‌است چراکه پس از آنان سکه‌های داعی صغیر همچنان نشانه‌های مذهب شیعی را نگه‌داشته و گسترش می‌دهد.

همان‌گونه که گفته‌شد، برخی از والیان و سرداران شهرهای فتح‌شده چون قزوین و نیشابور هم به نام خود سکه ضرب کردند، نعمان بن لیلی از آن‌هاست، که به نام خود در شهر نیشابور سکه ضرب کرده‌است. شکل کلی سکه‌های وی به قالب دیگر سکه‌های این دوره است. بر سکه نام وی پدیدار شده‌است و بر پشت سکه پس از قائد الله/الموید الدین الله المنتصر لآل رسول الله، آمده‌است. سکه‌های وی با کنده‌کاری آیه ۳۶ سوره ۱۰ (یونس) قرآن کریم است که از مسکوکات عمومی این دوره متفاوت است (vardanian:2010:3). ابوجعفر لیلی بن نعمان از فرماندهان نسل یکم دیلمی است که سپاه باشکوهی را پدید آورد و از سوی داعی صغیر برای رویارویی با سامانیان مأمور شد و نیشابور را به دست گرفت. در دید لیلی، شهر نیشابور را سال ۳۰۸/۹۲۰ تصرف کرد و تا سال ۳۰۹/۹۲۱ در آنجا ماند. وی سرانجام در نبرد با سامانیان در ربیع الاول سال ۳۰۹/۹۲۱ کشته شد و سرش را از خراسان برای خلیفه فرستادند (vardanian:2010:3 70). بر یک‌روی سکه نعمان، «لا اله الا الله /وحده لا شریک له/مسئول الله» و حاشیه درونی جنس و محل و تاریخ ضرب و حاشیه بیرونی آیات ۴ و ۵ سوره روم «لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ ینفخ المومنون ینصرون» و روی دیگر «لله الموید الله المنتصر لآل رسول الله» لیلی بن نعمان و حاشیه آیه ۳۶ سوره یونس «وَمَا یَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا یغْنِی مِنَ الْحَقِّ شَیْئًا إِنَّ اللهَ عَلِیمٌ بِمَا یَفْعَلُونَ» نگاشته شده‌است. بیشتر مردم جز خیال و گمان بیهوده خود از چیزی پیروی نمی‌کنند، اگر گمان موهوم، کسی را بی‌نیاز از حق نمی‌گرداند و به علم یقین نمی‌رساند، خدا به هر چه می‌کند، آگاه است. آیه‌ای که برپایه آن، نیاز به مرجع برای شناخت حق از باطل بیان شده است. حقی که به نظر علویان از آن خاندان پیامبر و خویشان وی است.

با کشته‌شدن داعی صغیر در ۳۱۶/۹۲۸، حکومت یکپارچه و متمرکز علویان تبرستان به پایان رسید ولی منابع سکه‌شناسی گواهی می‌دهد، افکار و باورهای شیعی همچنان پایدار بوده‌است. سکه‌هایی که تا ابتدای دهه ۳۴۰/۹۵۱ در سرزمین دیلم ضرب شده‌است، نشانه‌های مذهبی شیعی را بر خود دارد. اگرچه حکومت یکپارچه و قدرتمند علویان از میان رفته است ولی مردم همچنان به باورهای شیعی خود پایبند و وفادار ماندند. سکه‌های

تصویر ۹: نمونه سکه لیلی بن نعمان
(vardanian:2010:pl23)

روی الف: لا اله الا الله مُحَمَّدُ رَسُوْلُ الله / المسئول
الله حاشیه «۱» بِسْمِ الله ضَرْبَ هَذَا الدَّرْهَمِ بِنِيشَابُورِ
سنه تسع و ثلثمئه (۳۰۹) حاشیه «۲» لله الامر من
قبل و من بعد و یومئذ ینفخ المومنون ینصرون

روی ب: لله الموید الدین الله المنتصر لآل رسول الله
لیلی بن نعمان حاشیه - وَمَا یَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ
الظَّنَّ لَا یغْنِی مِنَ الْحَقِّ شَیْئًا إِنَّ اللهَ عَلِیمٌ بِمَا یَفْعَلُونَ





شناخته شده از این دوره برای سال‌های ۹۴۷/۳۳۵ تا ۹۵۲/۳۴۱ فعالیت روشن دو ضرابخانه آمل و هوسم را نشان می‌دهد (vardanian: 2010: 372). بیشتر سکه‌ها در این زمان در شهر هوسم در منطقه دیلمان ضرب شده‌است که نشانگر حوزه نفوذ بازماندگان علوی است. سکه‌ای ضرب مدینه آمل در سال ۹۵۱/۳۴۰ هست که کتیبه آن «صلی الله علیه و علی آله و سلم» و تکرار حرف ع کوچک است. این درهم افزون بر دینار سال ۹۵۲/۳۴۱، می‌تواند در آمل پس از عزیمت نیروهای سامانی در ۹۵۱/۳۴۰ ضرب شده باشد (vardanian: 2010: 373). سکه درهم ضرب هوسم به سال ۹۵۲/۳۴۱ بنام مهدی بن جعفر در دست است که با «مما امر به الامیر المهدی بن جعفر»، امیر معرفی شده‌است. سکه‌ای دیگر از هوسم به سال ۹۵۲/۳۴۱ در دست است، که مما امر به السید ابوالفضل جعفر بن محمد رسول الله آمده‌است. از هوسم سکه‌هایی با تاریخ ضرب ۹۵۵/۳۴۴ در دست است، که نام ابوالفضل الثائر را دارد. این سکه‌ها، آخرین مسکوکات از نوع علویان است که در شیوه نوشتن شعایر و القاب تا حدودی به سکه‌های علویان همانندی دارد. سکه‌های هوسم بیشتر بر یک‌روی «لا اله الا الله/وحده لا شریک له لا اله الا الله و حده لا شریک له» و حاشیه اولی جنس و محل و تاریخ ضرب و حاشیه دومی آیات ۳ و ۴ سوره روم «لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله» و روی دیگر «محمّد رسول الله» و معرفی امیر و حاشیه آیه ۳۳ سوره توبه «محمّد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» شده‌است. البته در مواردی بجای محمد رسول الله سوره اخلاص «قل هو الله احد / الله الصمد / لم یلد و لم یولد / ولم یکن له کفوا احد» احد آمده‌است. این شیوه نوشتاری، مانند سبک دوره مأمون عباسی و پس از آن است. از این دوره سکه‌ای در دست است که بر حاشیه آن آیه ۴۱ از سوره حج «الذین ان مکناهم فی الارض أقاموا الصلوة و اتوا الزکاة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الأمور» کنده شده‌است که در نوع بی‌مانند است (vardanian: 2010: 361). این آیه نشان می‌دهد که فرمان‌ها و قوانینی که حسن بن زید دستور اجرای آن را در قلمرو خویش داد، برپایه کلام خدا بوده است. آیه‌ای که نشانه‌های اعتقادی شیعی را در آن به‌روشنی می‌توان دید.

نتیجه گیری

سکه‌های علویان را باید در دسته مخالفان خلفای عباسی دسته‌بندی و بررسی کرد. بر این سکه‌ها، عبارات، اشعار و آیاتی به چشم می‌خورد که یا پیش از این دیده نشده‌است یا اگر بر سکه‌ای به کار رفته، با هدف و انگیزه‌ای متفاوت به کار گرفته شده‌است. همان‌گونه که در بخش تاریخ سیاسی و شکل‌گیری این خاندان بیان شد، علویان در اعتراض به شیوه حکمرانی خلفای عباسی و عوامل آن‌ها بنیاد نهاده‌شد. بنابراین باید این سلسله را حکومتی اعتراضی در برابر ستمی دانست که در سراسر قلمرو اسلامی مانند تبرستان، گیلان و گرگان شکل گرفت. اعتراض و شکایات مردم از خلافت و کارگزاران آن‌ها، به تشکیل



تصویر ۱۰: نمونه سکه مهدی بن جعفر به سال ۹۵۲/۳۴۱ و ضرب هوسم (www.coinsarchives.com)

روی الف: الله / محمد رسول الله / مما امر به الامیر / مهدی بن جعفر حاشیه مکناهم فی الارض أقاموا الصلوة و اتوا الزکاة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الأمور

روی ب: لا اله الا الله / الثائر فی الله / جعفر الطاهر؟
بن رسول الله حاشیه «۱» بسم الله ضرب هذالدرهم
بهوسم سنه احدى و اربعین و ثلثمئه حاشیه «۲»
قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی و من یقترف حسنة نرد له فیها حسنا



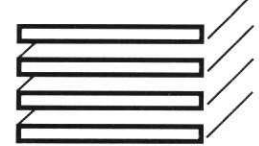
حکومتی در تبرستان انجامید که پایه آن مبارزه با حکومت‌هایی بود، که نام اسلام و حکومت اسلامی را یدک می‌کشیدند ولی با ستم و فشار بر مردم، با واکنش تند مردم روبرو شده بودند. عوامل حکومتی عباسیان در مناطق مختلف با دریافت مالیات بیش از توان مردم، آنان را روزبه‌روز فقیرتر و درمانده‌تر کردند. روشن است در چنین شرایطی مردم سر به شورش بردارند و در برابر ستم برخیزند. تبرستان و دیلمان با جنگل‌های انبوه و کوه‌های ستر از مناطق سخت‌گذر بود که عملیات نظامی و جنگی در آن به شدت سخت و برای افراد غیربومی ناممکن بود. همین شرایط طلایه‌دار قیام اعتراضی مردم شد. قیام مردمی زیر نظر داعیان زیدی و علوی، نخستین حکومت مستقل و مخالف عباسیان را در این مقطع تاریخی پدید آورد. روشن است که سکه‌های علویان که مهم‌ترین سند و مدرک تبلیغی امرا است، ویژگی‌ها و نشانه‌های این مخالفت را بر خود داشته باشد. بررسی نوشته‌ها و عبارات سکه نشان می‌دهد که با انداختن نام خلیفه عباسی و شعاعیری در انتساب خود به خاندان پیامبر اکرم (ص) و آیاتی با مضمون مبارزه با ستم ستمگران، به دنبال مشروعیت حکومت خویش بودند.

بجز شعاعیر متداول و معمول سکه‌های تراز اسلامی که گواهی بر اصل توحید و نبوت است، چند آیه قرآن نیز به کار رفته است که بررسی و ژرف‌اندیشی این آیات، دلایل و توجیهات به کارگیری آن را نشان می‌دهد.

آیه ۲۳ سوره شورا نگاشته شده بر مسکوکات حسن بن زید، نشان از شایستگی خاندان و خویشان پیامبر اکرم (ص) برای حکومت دارد. آیه ۳۹ سوره حج دفاع و مبارزه با ستم ستمگران در حق خاندان علی و خویشان رسول خدا دارد. آیات ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت و آیه ۴۱ سوره حج نسی بر ولایت و امامت به حق امام علی (ع) و اثبات امامت بر حق امیر المومنان (ع) است. آیه ۲۳ سوره احزاب که به آیه طهارت معروف است، نشانی آشکار از طهارت اهل بیت و خاندان پیامبر اکرم (ص) دارد. آیه ۳۶ سوره یونس مرجع حق بودن خاندان حضرت علی (ع) در برابر پندارهای موهوم است. این خاندان نسب خود را به خاندان حضرت علی (ع) می‌رساند و خود را از نوادگان این خاندان می‌داند؛ بنابراین روشن است که ارادت و محبت خود، به این خاندان را علنی و آشکارا بیان دارد. آیه ۵۵ از سوره مائده به تفسیر بیشتر مفسران شیعی، برای کرامت و بخشش حضرت علی (ع) نازل شده است. آیه‌ای که در نزد شیعیان به آیه ولایت نامدار است. پس هدف از نگاشتن این آیه بر سکه‌ها، نشان دادن فروتنی و خشوع به امامی است که در هر حال دارای کرامت انسانی بوده است.

افزون بر آیات قرآن، شعاعیر دینی نگاشته شده بر مسکوکات این دوره نیز بیشتر بیانگر خویشی فرمانروایان با پیامبر اکرم (ص) است. بر بیشتر سکه‌ها، در کنار نام امیر، ابن رسول الله آمده است که به درستی نشان می‌دهد، آنان خویش را فرزند پیامبر می‌دانند.

با نگرش به آیات و شعاعیر اسلامی نگاشته شده بر سکه‌های علویان تبرستان می‌توان دریافت امیران این سرزمین تلاش داشتند گرایش شیعی خود را تبلیغ و گسترش نمایند، و به دنبال اثبات حقانیت و شایستگی خویش برای حکمرانی در جایگاه جانشینان به حق پیامبر اسلام و حضرت علی (ع) بودند.

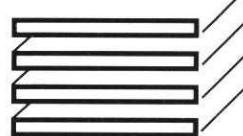


منابع

کتاب های فارسی:

- ابن اسفندیار کاتب، بهاءالدین محمد بن حسن. (۱۳۶۶)، «تاریخ طبرستان»، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور
- ابن حوقل، ابوالقاسم. (۱۳۴۵)، «صورة الارض»، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ابن خرداد به. (۱۳۷۰)، «المسالك و الممالك»، ترجمه حسین قره‌چاپلو، تهران: نشر نو
- ابن رسته. (۱۳۶۴)، «الاعلاق النفسیه»، ترجمه دکتر حسین قره‌چاپلو، تهران: انتشارات امیرکبیر
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۶۸)، «مسالك و ممالك»، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۳۸۰)، «مقاتل الطالیین»، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
- آملی، مولانا اولیاءالله. (۱۳۱۳)، «تاریخ رویان»، تصحیح: عباس خلیلی، تهران: اقبال
- بار تولد، واسیلی ولادیمیر وویچ. (۱۳۷۲)، «تذکره جغرافیای تاریخی ایران»، ترجمه حمزه سردادور، تهران: انتشارات توس
- بحرالعلوم، محمدمهدی فقیه. (۱۳۸۵)، «تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری»، قم: انتشارات وثوق

- برتولد، اشیولر. (۱۳۶۹)، «تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی»، ترجمه: مریم میراحمدی تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- بیضاوی قاضی، ناصرالدین عبدالله بن عمر. (۱۳۴۸)، «نظام التواریخ»، تصحیح بهمن میرزا کریمی، تهران: اقبال
- پرگاری، صالح و ترکمنی‌آذر، پروین. (۱۳۷۸)، «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان»، تهران: سمت
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳۶۸)، «اشکال العالم»، ترجمه: علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، تهران: آستان قدس رضوی
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۶۳)، «جنبش زید در ایران»، تهران: انتشارات فلسفه
- حکیمیان، ابوالفتح. (۱۳۴۷)، «علویان طبرستان، تحقیق در احوال و آثار و عقاید فرقه زیدیه ایران»، دانشگاه تهران
- خضری احمد رضا. (۱۳۸۸)، «تاریخ تشیع» تهران: انتشارات سمت
- رابینو، یاسنت لویی. (۱۳۸۳)، «مازندران و استرآباد»، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی
- سرفراز، علی اکبر و آورزمانی، فریدون. (۱۳۷۹)، «سکه‌های ایران»، تهران: نشر سمت
- الشامی، فضیلت. (۱۳۶۷)، «تاریخ زیدیه»، ترجمه: محمد تقی و علی اکبر مهدی پور. انتشارات: دانشگاه شیراز
- عقیلی، عبدالله. (۱۳۷۷)، «دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی»، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار
- فخری، محمد بن علی طباطبای. (۱۳۸۹)، «تاریخ فخری»، ترجمه: محمد وحید گلیپایگانی، تهران، تهران: علمی و فرهنگی
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. (۱۳۶۶)، «آثار البلاد و اخبار العباد»، ترجمه: عبدالرحمن شرفکندی، تهران: اندیشه جوان
- آملی، مولانا اولیاءالله. (۱۳۱۳)، «تاریخ رویان»، تصحیح: عباس خلیلی، تهران: اقبال
- لسترنج، گای. (۱۳۳۷)، «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی»، ترجمه: محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (بی‌تا)، «بحارالانوار»، ترجمه: علی دوانی، چاپ: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت قم
- مرعشی، سید ظهیرالدین. (۱۳۶۸)، «تاریخ طبرستان رویان و مازندران»، به کوشش: محمد تسبیحی، تهران: شرق
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴)، «تاریخ گزیده»، تصحیح: عبدالحسین نوایی، نشر: امیرکبیر تهران
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۴۴)، «مروج الذهب و المعادن الجواهر»، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۲، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۷۰)، «تاریخ مروج الذهب»، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی



-معطوفی، اسدالله. (۱۳۹۲)، «سکه‌های طبرستان، گرگان و استرآباد»، تهران: نشر پازینه

-مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۶۱)، «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم»، ترجمه: علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران

-مکارم شیرازی. (۱۳۸۷)، «تفسیر نمونه دارالکتب الاسلامیه»، تهران

-ناشناس. (۱۳۶۷)، «حدودالعالم من المشرق الی المغرب»، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری

-و. مادلونگ. (۱۳۹۰)، «سلسله‌های کوچک شمال ایران بخش ششم تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان»، مترجم: حسن انوشه. گردآورنده ر. ن. فرای. پژوهش دانشگاه کمبریج جلد چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر

-یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. (۱۳۶۶)، «تاریخ یعقوبی» ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی

۳۶-یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. (۱۳۴۷)، «البلدان»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

مقالات:

-عقیلی، عبدالله. (۱۳۶۰)، «سجع در سکه»، تهران: مجله آینده، سال هفتم، شماره‌های ۱ و ۲، ماه‌های فروردین و اردیبهشت، صص ۳۸ تا ۴۱

-نوروز زاده چگینی، ناصر. (۱۳۶۶)، «مازندران در دوره ساسانی ۲»، تهران: مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان، صص ۲۹ - ۲۱

کتاب‌های لاتین:

-Vardanyan Aram, 2010, *Numismatic Evidence for the Presence of Zaydi Alids in the Northern jibal, Gilan and Khurasan from ah 250 to 350(AD 864 961)* The Royal Numismatic Society London.

سایت‌های اینترنتی:

-www.arianacoins.com
 -www.coinsarchives.com
 -www.sixbid.com